

جادوی داستان مژده

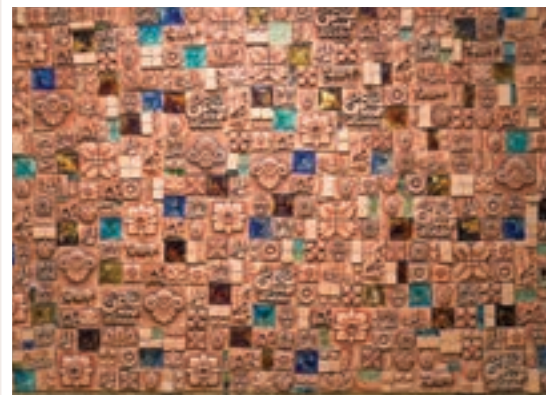
این خانم بیش از ۲۵ هنردارد که همه را آموزش می‌دهد

شیرین ایران دوست اقباب در قاب، هنر است، تابلو به تابلو زیبایی خودنمایی می‌کند. دیوار به دیوار به زیبایی ختم می‌شود. اما لایه لای این چهارچوب‌های زیبا، یک تصویر زنده، متمایز است، تصویری از خالق همه این هنرها، کسی که بخشی از تجربه‌سی ساله کار هنری‌اش را اینجاردیف کرده است. مژده خانم هنرش را خلاقانه روی در و دیوار جانمایی کرده است. تابلوها شبیه هم نیستند، گسترده‌اند، متنوع‌اند و پرمفهوم، چون هنرهای مژده ادیمی چند بعدی هستند، اونقاش است، تذهیب کار است، نگارگری می‌کند، گچ‌کاری مدرن می‌کند و خیلی وقت‌ها هم برخی از این هنرها را با هم ترکیب می‌کند، این تنوع کار از بانوی هنرمند شهرمان، سبب شده تا او در این حوزه بعد از سال‌ها کار هنری برای خودنامی دست و پا کند و خیلی از هنرجویان مشهدی دنبال نشستن در کلاس‌های در سش باشند.



استعدادی که به موقع کشف شد

یک کشف استعداد خوب و به موقع می‌تواند تعیین‌کننده یک مسیر درست و موفقیت‌آمیز باشد، مانند اتفاقی که برای مژده ادیمی افتاد و برای سال‌ها پیوند او و هنر را برقرار کرد. مژده ۳۶ سال پیش وقتی کلاس اول بود در مرکز پرورش فکری و هنری کودکان در رقابت نقاشی با دانش‌آموزان دوره‌های تحصیلی بالاتر از خودش، خوش درخشید، او با کمک معلم کلاس اولش استعداد خود را پیدا کرد و در یک راه طولانی، اما دوست‌داشتنی قرار گرفت. قرار گرفتن عنوان‌های برتر در کنار نام دانش‌آموز با استعداد آن زمان سبب شد تا او همواره در جشنواره‌های هنری حائز رتبه باشد. او ساخته شده بود برای نقاشی، برای هنر، برای تجسم زیبایی‌ها و تبدیل کردن آن‌ها به قاب‌های هنرمندانه. همین هم کافی بود تا دوره ابتدایی و دبیرستان را همیشه به حضور در جشنواره‌های نقاشی و هنری سپری کند و همیشه هم رتبه‌های شهری، استانی و کشوری را به دست آورد.



درو کردن افتخارات

ذهن مژده ادیمی در این سال‌ها برای هنر پرورش یافته است و او هر روز یک شاخه از هنر را کنکاش کرده است، او برای هر کدام از حوزه‌های مختلف هنری یک خانه در ذهنش ساخته است. ذهنیت‌هایی که هنوز باقی هستند و راز و رمز موفقیت او شده‌اند. او تعریف می‌کند: در نونهالی و نوجوانی در خیلی از جشنواره‌های نقاشی شرکت می‌کردم و بدون کلاس و آموزش، مقام می‌آوردم، ارتباطم با دنیای هنر برقرار شده بود و این حس خوب و فضای تخیل و تفکر را دوست داشتم. بعدتر به سوی حرفه‌ای‌تر شدن رفتم. در آن روزگاری که شاید خیلی از والدین از هنر و هنردوستی بچه‌ها غافل بودند، مادر مژده می‌پذیرد که دختر دبیرستانی‌اش سر کلاس‌های نگارگری استان قدس رضوی بنشیند. ذات مژده هنردوست بود و او را به دنیای معانی و مفاهیم زیبایی می‌کشاند، خودش می‌گوید: من در آن زمان محو هنر می‌شدم، از دیدن کارهای نگارگری استاد فرشچیان لذت می‌بردم. در این مسیر چند جلسه‌ای با استاد حسین رزاقی و حدود چهار سال در خدمت استاد طاهر نبی‌زاده تلمذ کردم که هر دو دلسوز بودند و پیر از اطلاعات و آموزش و ترفند. هنرمند امروز شهر ما از همان زمان هنرمند شد، یک گوشه شهر تذهیب‌آموخت، یک گوشه نگارگری و درکنج اتاقش هم استعداد نقاشی‌اش را پرورش داد، در کلی جشنواره استانی و کشوری هم حاضر شد و یکی پس از دیگری رتبه و مقام درو کرد.